

دکتر ابوتراب نفیسی

رئیس دانشکده پزشکی اسفهان

## بهبود وضع دانشگاههای کشور بطور عموم

« قسمت دوم »

۱ - برای ورود بدانشکده پزشکی حتماً باید یکدوره مقدماتی بنام کالج موجود باشد که حداقل دوره تحصیل در آن دو سال باشد زیرا همانطوری که دکتر جورج پارکر بری G. Parker Berry از دانشکده پزشکی هاروارد اظهار کرده « پزشک آینده باید در محل اتصال سه دسته از علوم یعنی طبیعی ، علوم اجتماعی ، معارف انسانی Humanities کار

کند و برای اینکه این وظیفه را انجام دهد باید در هر سمیدان اطلاعات و تجارب کافی بدست آورد و این کار را فقط وقتی میتوان بخوبی انجام داد که مدرسه متوسطه و کالج ودانشکده پزشکی را دنبال یکدیگر دانست . تجربه در دانشگاه هاروارد نشان داده که اطلاعات کافی در بیولوژی ، شیمی ، فیزیک و ریاضی برای انجام برنامه دانشکده پزشکی لازمست »

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنظر اینجانب نیز این دوره مقدماتی برای ورود به بسیاری از دانشکده ها و از آنجمله دانشکده پزشکی ضروری است و برای اینکه مدت تحصیل خیلی بدرازا نکشده پیشنهاد میشود دوره تحصیلات متوسطه سه کلاس اول ضروری تلقی شود و کلاس چهار و پنجم برای آنان که میخواهند بعداً وارد دانشگاه شوند بصورت رشته های طبیعی ریاضی یا ادبی و هنری ادامه یابد . و در این سال دانش آموز دیپلم متوسطه خود را بگیرد و سال ششم منحصرأ بعنوان کلاس مقدماتی ورود بدانشگاه برای تدریس علوم طبیعی ، اجتماعی و انسانی باشد و در صورتیکه یکسال کافی نباشد یکسال دیگر نیز میتوان بعنوان مقدمه اضافه کرد و در عوض دوره تحصیلی پزشکی را از هفت سال فعلی

بهشش سال تقلیل داد بطوریکه مجموع سالیان تحصیلی يك پزشك دیپلمه از ۱۹ سال فعلی تجاوز نکند .

۲- سعی شود برنامه آموزشی پزشکی کشور اصولاً یکنواخت شود و اگر اختلافی لازمست در جزئیات باشد.

۳- در روابط بین دانشکده‌ها و مبادله دانشجو و استاد کوشش بیشتر شود و مسابقاتی همه ساله بین گروهها یا کلاسهای متشابه در تهران یا شهرستانها ترتیب داده شود و جوائزی بصورت بورس تحصیلی برای بهترین آنها ترتیب داده شود.

۴- برای جبران کمبود معلمان علوم اساسی امتیازات بیشتری برای آنان (اعم از استاد، دانشیار، استادیار و دستیار) چه مادی و چه معنوی در نظر گرفته شود که با فراغت بال و اطمینان بیشتری بکار عملی خود پردازند .

۵- اختیارات بیشتری درباره انتخاب کادر فنی تا استادیار بر رئیس دانشکده داده شود .

۶- بر حقوق استادیاران افزوده شود زیرا يك استادیار که حداقل باید ۵-۶ سال پس از فراغت از تحصیل پزشکی در یکی از دانشگاهها کار کرده باشد یا حقوقی معادل ۸۰۰ تومان استخدام میشود و حال آنکه همقطار او در زمینه‌های اجتماعی یا بهداشتی یا سایر موسسات لااقل تاربه سه پزشك یکمی را طی کرده و گاهی تا حدود ۱۵۰۰ تومان ممکن است حقوق بگیرد.

۷- دستیار با وضع فعلی و عدم ثبات و کمی حقوق تقریباً نایاب خواهد شد و فقط در رشته‌های تخصصی ممکن است داوطلبانی پیدا کند ولی در رشته های عمومی یا آزمایشگاهی مطلقاً کسی پیدا نمیشود چنانچه در دو سال گذشته چهار بار برای استادیاری و دستیاری علوم اساسی از رشته‌های بالینی اعلان شده و هیچکس داوطلب نشده یا اگر شده بعداً قول خود را پس گرفته است.

۸- بهتر است بخشها و آزمایشگاههای دانشکده با امکانات و تسهیلاتی که دارند در جلب درآمد اختصاصی بکوشند و کادر فنی مربوطه نیز در استفاده از این

درآمد شریک باشند و از این بپس هر پزشک جوانی که با استخدام در میآید موظف باشد کار خارجی و شخصی نداشته باشد تا بتدریج پس از چند سال اکثریت با کادر تمام وقت کامل یا نسبی باشد.

۹- چون برای گردش صحیح چرخ دستگاههای اداری و فنی بیمارستانی دانشکدهای که در حال توسعه است همه ساله احتیاج با استخدام کارمندان جدیدی خواهد بود شایسته است طبق مقررات خاصی اجازه استخدام کادر آموزشی، پرستاری، بیماری و حداقل مستخدم روزمزد به دانشکده داده شود والا بیشتر کارها فلج خواهد شد و البته این اجازه باید در اول سال اعطاء شود و بودجه آن تامین گردد نه آنچنانکه در سابق متداول بود، در اواخر سال.

### قسمت سوم

بهبود وضع دانشکده پزشکی اصفهان و توسعه تشکیلات آن برای پذیرفتن تعداد بیشتری دانشجو در شعب مختلف

۱- این دانشکده برای جبران کمبود معلمان علوم اساسی خود دورا پیشنهاد میکند و در هر دو راه نیز مطالعاتی بعمل آورده و قدمهایی نیز برداشته است یکی آنکه با دانشگاههای خارجی ژوملاژ بعمل آورد ولی نه بدان طرز که با فرانسویان تا حال عمل شده بلکه بدینطور که تعدادی از معلمان علوم اساسی دانشکده های خارج که درجه آنان از رئیس لابراتوار بالاتر نباشد برای تدریس مدتی که از یک سال تحصیلی کمتر نباشد با اصفهان بیایند و نیمی از حقوق آنان از طرف دانشکده پرداخته شود و در عوض عده از همقطاران ایرانی آنها برای ادامه مطالعاتی که در ایران زیر دست فرد مذکور کار کرده اند به مملکت مورد بحث مسافرت کنند و اینکار تحت برنامه منظم و حساب شده ای باشد:

راه دوم آنکه از امکانات فرهنگی پیمان ستو یا بهداشت جهانی استفاده

شود و معلمین یا وسائل آزمایشگاهی یا بیمارستانی تکمیل گردد. و این دانشگاه از سال گذشته یا هر دو سازمان مذاکراتی بعمل آورده که اگر اجازه داده شود بورسهای در اختیار استادان یا تکنیسین های خارجی برای تدریس یا کار در اصفهان و دستیاران یا استادیاران دانشگاه اصفهان برای آموختن در دانشگاههای خارج وابسته به بهداشت جهانی یا سنتو گذاشته شود بسیار بجا خواهد بود. برای اینکار بایستی مجوزی از طرف شورای مرکزی دانشگاهها برئیس دانشگاه داده شود و بودجه نیز در اختیار وی گذاشته شود تا این مشکل حل گردد.

۲ - پیشنهاد مینماید یک مرکز مطالعه بیماریهای بومی اصفهان مخصوصاً بره سلوز و کرم های روده و سیروز کبد در دانشگاه اصفهان تاسیس شود (با همکاری دانشگاه و بهداری و استیتوپارازیتولژی و کمک سازمان برنامه) تا تحقیقات کافی وسیله گروههای مختلف درباره این بیماری بعمل آید و بهمین منظور اخیراً دانشگاه اصفهان در سمپوزیومی که در روزهای ۲۸ و ۲۹ بهمن در بازه تب حالت تشکیل داد با شرکت نمایندگان علمی بیشتر موسسات ذینفع کشور این موضوع را مطرح نمود و قطعنامه هم تصویب کرد. امیداست مورد تصویب شورای مرکزی قرار گیرد و در این شهرستان تاریخی این مرکز تحقیقاتی تاسیس گردد و مثل سابق همه چیز، همه کار حتی کارهای تحقیقاتی و علمی در انحصار تهران نباشد.

۳ - برای کمک به آموزش عالی جوانان دیپلمه ای که فعلاً بیکار میگرددند همانطور که در تاریخ ۶۳۵۶ ر ۴۳ بوزیر فرهنگ وقت پیشنهاد شد دانشگاه پزشکی اصفهان میتواند با مقدار کمی بودجه که از یک میلیون تومان کمتر باشد دانشگاه های داروسازی و دندانسازی (بصورت لیسانس چهارساله یا دکترا) تاسیس کند و از امکانات فنی و آزمایشگاهی و ساختمانی خود را در راه این امر مهم که قطعاً مورد علاقه اولیای امور کشور است استفاده برساند. مسلماً در انجام این کار کمک های گرانبهای دانشگاه تهران که بحق آنرا باید دانشگاه مادر دانست مورد درخواست اینجانب میباشد.

درخاتمہ تذکر این نکتہ لازم است کہ برخلاف تصور عده‌ای کہ خیال میکنند پیشنهاد اینجانب تحقیری بہ ادبیات است اگر توجہ مختصری باین قسمت از نوشتہ حقیر می فرمودند کہ پیشنهاد شدہ برای دانشگاه‌ها کلاس مقدماتی تأسیس شود ذہنشان کاملاً روشن میشد زیرا از دروس آن کلاس Humanities یعنی معارف انسانی را نام برده‌ام کہ شامل علوم اجتماعی و فلسفہ و ادبیات و زبان ملی و یک زبان زندہ خارجی و یک زبان قدیمی کہ برای ما عربی خواهد بود و نظائر آن کہ Liberal Arts مینامند و آن قسمت کہ پیشنهاد شد از تعداد دانشکده‌های ادبیات کاستہ شود مقصود تحصیلات عالی ادبی و ادبیات خاص بمعنای کلمہ است کہ خوانندگان تصدیق خواهند فرمود با آنچه امروز بنام دانشکده ادبیات است تفاوت بسیار دارد و آن پرورش محقق ادبی است نہ معلم ادبیات و زبان خارجہ۔ زیرا بنا بر چهار پیشنهاد اینجانب باید فرق باشد بین دانشکده‌هایی کہ احتیاجات فوری کشور را بر میاورند ( و تربیت معلم علوم یا ادبیات نیز یک قسمت از آنست) و آنهایی کہ محقق و دانشمند تربیت میکنند (اعم از محققین علوم یا ادبیات و رشته‌های عالی دیگر).

### احمد سہیلی خونساری : گل دو رو

بوفا و مہربانی نشدی تو دوست با من	بنگر زیوفائی کہ ترا چہ خوست با من
دل ناشکیب یکدم بغم تو خو نگیرد	چکنم زدست این دل کہ بجان عدوست با من
بتو جز وفا نکردم مپسند رنج و دردم	کہ جفا و جور هر دم نہ ترانکوست با من
چہ کند هوای گلشن دل خستہام کہ آن گل	نہ میان باغ و بہستان نہ کنار جوست با من
من و از غمش رھائی مگر این بخواب بینم	کہ دل منست با او کہ خیال اوست با من
چہروم ب جستجویش با امید وصل رویش	کہ نظر بغیر دارد چو بگفتگوست با من
بمن ای حریف کز می ہمہ شب خراب ہوستم	سخن از بیالہ کم گو کہ خم و سبوست با من

دل من یکیست با او ز وفا ولی ندانم

گل من چرا سہیلی ز جفا دو روست با من